

علم أصول الفقه

٦٠ ٩٢-١٢-٦ حجية الظن في نفسه

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

الصبر و العلم

• إبراهيم ، الجزء ١٣ ، الصفحة: ٢٥٥ ، الآية: ٥
 • وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ
 ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٥)

• لقمان ، الجزء ٢١ ، الصفحة: ٤١٤ ، الآية: ٣١
 • أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٣١)

الصبر و العلم

سبأ ، الجزء ٢٢ ، الصفحة: ٤٣٠ ، الآية: ١٩

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا هُمْ أَحَادِيثَ وَ
مَزَقْنَا هُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (١٩)

الشورى ، الجزء ٢٥ ، الصفحة: ٤٨٧ ، الآية: ٣٣

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٣٣)

الصبر و العلم

- فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا
(٦٥)
- قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (٦٦)
- قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (٦٧)
- وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (٦٨)
- قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (٦٩)
- قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا
(٧٠)

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- هذه هي وجوه خمسة قد يستند إليها أو إلى بعضها على الأقل في إثبات معاصرة السيرة لزمان المعصومين عليهم السلام و هناك وجوه أخرى جزئية كثيرة على أساس نكات و خصوصيات غير منضبطة يواجهها الفقيه عادة في الفقه،

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- فمثلاً السنة الروایات و طرز الأسئلة فیها قد تكون كاشفة إثباتاً أو نفيّاً عن ارتکاز المتشرعة فی عصر المعصومین علیهم السلام فبالنسبة إلى طهارة أهل الكتاب مثلاً قد جعلنا لسان الروایات التي استند إليها المشهور لإثبات نجاستهم دليلاً على أنه لم تكن النجاسة مما انعقدت السيرة علیها عند أصحاب الأئمة و المتشرعة لأنّ تلك الأسئلة قد بین فیها الاستشكال بضميمة فرض انّ أهل الكتاب يشربون الخمر و يأكلون لحم الميتة فلو كانت النجاسة الذاتية لهم أمراً مشهوراً فلما ذا يفترض النجاسة العرضية و المعرضية لها مع فرض نجاستهم ذاتاً،

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- و كذلك فقه العامة في باب المعاملات مثلاً يمكن أن يعطى بعض القرائن نفيًا أو إثباتاً على استقرار التعامل الخارجي في زمن الأئمة على موقف معين إلى كثير من الخصوصيات الحديثة و التاريخية و غيرهما مما لا ضوابط لها يترك تفصيلها إلى الفقه حسب موارد المسائل و طبيعتها.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- ۷- راه‌های جزئی
- در انتهای این بحث شهید صدر می‌فرمایند این راه‌هایی که گفتیم کلی بودند. غیر از این‌ها راه‌های جزئی هم وجود دارد که می‌توان به صورت موردی وجود یک سیره یا ارتکاز را در زمان معصوم - علیه السلام - به دست آورد؛ چنان‌که گاهی از نحوه سؤالات روایان، وجود یک ارتکازی را در زمان معصوم - علیه السلام - احراز می‌کنیم.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- ایشان به مسأله نجاست اهل کتاب را مثال می‌زنند که می‌بینیم راوی فرض کرده‌است که فلان یهودی یا مسیحی شراب و گوشت خوک می‌خورد. آن‌گاه می‌پرسد آیا در ظرف‌های این‌ها غذا خوردن جایز است؟ آیا لباسی را که ما به این‌ها عاریه دادیم، می‌شود بدون تطهیر استفاده کرد؟ این نحوه سؤال راوی نشان می‌دهد در ذهن راوی این نبود که اهل کتاب ذاتاً نجس هستند در حالی که بحث طهارت و نجاست اهل کتاب مربوط به ذات آن‌ها است؛ یعنی بر اساس مبنایی که می‌گوید اهل کتاب نجس هستند، خود بدن مسیحی نجس است؛ هر چند اصلاً به شراب یا گوشت خوک دست نزده باشد.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- در حقیقت مثل کلب و خوک از اعیان نجس به حساب می‌آیند. اگر راوی چنین ذهنیتی داشت که اهل کتاب به خودی خود نجس هستند، دیگر چه معنا داشت نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک را در سؤال مطرح کند و باید سؤال می‌کرد که آن‌ها با این ظرف‌ها سر و کار دارند؛ دست می‌زنند؛ لبشان با آن‌ها برخورد می‌کند، آیا این ظرف‌ها پاک‌اند؟

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- بعضی از فقهای دیگر هم می‌گویند این روایاتی که اجتناب از ظروف یا غذا یا لباس اهل کتاب را بیان می‌کند، ناظر به نجاست عرضی آنها است نه نجاست ذاتی آنها؛ البته در این روایات راوی به صراحت به این مسأله اشاره نکرده و معصوم - علیه السلام - هم به صراحت نفرموده است؛ ولی ما از نحوه گفتگوی معصوم - علیه السلام - با راوی، و از فضای تخاطب، این طور به دست می‌آوریم که ظاهراً پیش فرضشان این بوده است که اهل کتاب ذاتاً نجس نیستند.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- بنابراین به صورت موردی با مراجعه به بعضی موارد می‌توانیم ارتکازاتی را که در ذهن متشرعه آن زمان و یا لااقل در ذهن راویان بوده‌است، به دست بیاوریم ولی نمی‌توان به صورت یک قاعده و قانون کلی آن را ارائه کرد.